www.sjfm.ir

مجله پزشکی قانونی ایران

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

دوره ۲۹، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۱۹۶ تا ۱۹۷

نامه سردبیر

نافذه شرعی؛ آلت جارحه یا جراحت؟ آثار و توابع از منظر فقه

رضا پورصدقی[1*]

[1] دفتر مطالعات پزشکی قانونی، قم، ایران

***نویسنده مسئول:** رضا پورصدقی، پست الکترونیک: rezapoorsedghi@gmail.com

تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ پذیرش: ۱۴۰۲/ ۰۶/۰۴ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

How to cite: Poorsedghi R. Legal window A wounding instrument or surgery? effects and consequences from the view of jurisprudence. Iran J Forensic Med. 2023;29(3):196-17.

سردبیر محترم؛

در ماده ۷۱۳ نافذه بر جراحت ناشی از فرو رفتن وسیله‌ای مانند نیزه یا گلوله اطلاق شده، در حالی که در روایات و همچنین فقه در طول قرون متمادی، نافذه به آلت جارحه اطلاق شده نه خود جراحت. مفاد روایت ظریف چنین است: «النَّافِذَةُ إِذَا نَفَذَتْ مِنْ رُمْحٍ أَوْ خَنْجَرٍ فِي شَيْءٍ مِنَ الرَّجُلِ فِي أَطْرَافِهِ فَدِيَتُهَا عُشْرُ دِيَةِ الرَّجُلِ مِائَةٌ دِينَارٍ.»(نافذه مانند تیر یا خنجر زمانی که در چیزی در اطراف مرد نفوذ کند دیه آن صد دینار است)[۱]. عبارت فقها در تبیین نافذه چنین است: «لو نفذت نافذة من رمح او خنجر فی شئ من اطراف الرجل فديتها مائة دينار.» (اگر نافذه‌ای مانند تیر یا خنجر در چیزی در اطراف مرد نفوذ کند دیه آن صد دینار است) این عبارت که برگرفته از متن روایت است عینا در متون فقهی از قدیم تاکنون تکرار شده است. برای نمونه محقق حلی[۲] تا فقهای معاصر مانند مرحوم امام [۳] همه از همین عبارت برای بیان نافذه بهره برده‌اند. البته در عبارات فارسی برخی از فقهای معاصر نافذه بر خود جراحت اطلاق شده که ظاهرا مستند قانون‌گذار همین عبارات است. آقای مکارم می‌نویسد: «قدر مسلّم از نافذه مواردی است که آلت جارحه به مقدار قابل ملاحظه‌ای در بدن نفوذ کند؛ مانند نیزه، خنجر، چاقو و امثال آن.»[۴] تفاوت انگاره قانون‌گذار در نحوه تطبیق این نوع جراحت منشأ اختلاف در تطبیق است و بر این اساس لازم است آثار و توابع فقهی انگاره فقیهان در این موضوع مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. در متون فقهی تعبیر «من رمح او خنجر» بیان از نافذه است و ذکر نشدن آلات جارحه دیگر یا تعبیر «مثل آنها» یا «مانند آنها»، نشان دهنده عنایت خاص به این دو وسیله است. در صورت الغای خصوصیت از این دو باید گفت: نافذه نوعی آلت جنگی است که در نبرد به شکل نفوذ و فرو رفتن از آن استفاده می‌شود، به خلاف وسیله‌ای مانند شمشیر که بیشتر به نحو بریدن به کار گرفته می‌شود. بر این اساس باید نحوه فرو رفتن آلت جارحه در بدن به شکل فرو رفتن خنجر و نیزه باشد و برش ناشی از چاقو و شمشیر و غیره نمی‌تواند نافذه شرعی قلمداد شود. تعبیر قانون «فرو رفتن وسیله‌ای مانند نیزه و گلوله» گویای این نکته است.

۲. فرو رفتن اشیای برنده‌ای که برای چنین کاری ساخته نشده‌اند، مانند میلگردی که در پای شخصی وارد می‌شود، از مصادیق نافذه شرعی نیست. در واقع الغای خصوصیت از نیزه و خنجر توجیه‌گر نفوذ هر آلت جارحه در ذیل عنوان نافذه نیست.

۳. عمق جراحت ناشی از نافذه متناسب با نحوه استفاده از ابزارهایی مانند نیزه و خنجر در جنگ‌هاست. اگر نوع استفاده از این ابزار موجب نفوذ و خروج نافذه از طرف دیگر عضو است، در این صورت مراد از جراحت ناشی از نافذه در روایت همین مقدار خواهد بود. طبق دیدگاه برخی از فقها صدق عنوان نافذه مبتنی بر این است که آلت جارحه از طرف دیگر عضو خارج شود [۵]. اما به نظر می‌رسد خروج از طرف دیگر عضو در جراحات ناشی از نفوذ نافذه متعارف نیست و بیشتر موارد نفوذ نافذه در حدی نیست که به خروج از عضو بینجامد. در نتیجه خروج از طرف دیگر عضو شرط حکم جراحات ناشی از نافذه نخواهد بود. بر این اساس در دو صورت خروج و خارج نشدن باید یک نافذه اعلام شود. این در حالی است که قانون صورت خروج از طرف مقابل عضو را

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-09-12]

دو نافذه محسـوب کرده و از نظر فقهی صحیح نیست، علاوه اینکه تعبیـر «نفذت» به معنای نفوذ کردن نافـذه، بر خروج آلت جارحه قابل تطبیق نیست.

۴. مختصات سـطح جراحت ناشی از نافذه نیز متناسب با جراحات معمول حاصله از نیزه و خنجر اسـت. کمتر از این میزان یا بیشـتر فاحش نمی‌تواند محکوم به حکم نافذه شود و تحت عناوین دیگر یا موضوع ارش قرار می‌گیرد. بر این اسـاس جراحات ناشـی از اشیای ریزی که جراحات آنها کمتر از آلات جارحه مذکور است، نمی‌تواند مشـمول عنوان فقهی نافذه و همچنین ماده ۷۱۳ باشد زیرا صدق عنوان نافـذه بر این موارد قطعا مردود اسـت و در نتیجه جراحات ناشـی از برخورد سـاچمه، میخ و سـوزن از نظر فقه و قانون نافذه نخواهد بود.

۵. اشـاره به نافذه نیزه و خنجر به نوعی تفسیر از اطراف در روایات و کلام فقها را نیز روشـن می‌سـازد زیرا این دو آلت جارحه بیشتر در ناحیه تنه مورد اسـتفاده قرار می‌گیرند. بنابراین اساسا حکم دیه جراحت ناشـی از نافذه در قسـمت تنه رخ می‌دهد و در سایر اعضا محل تردید است. بعید نیست در عبارتی که از آقای مکارم شیرازی مورد اشـاره قرار گرفت، مراد از «بدن» تنه باشد. اما قانون، نافذه را منحصر در دست و پا می‌داند. نتیجه آنکه به موجب قانون، جراحت ناشی از نافذه در تنه، مشمول ارش است زیرا نه مشمول ماده ۷۱۳ قانون است و نه مشمول ماده ۷۱۰ که جراحات شجاج را به غیر سر و صورت تسری داده اما از منظر فقه، چنین جراحتی مشمول عنوان نافذه اسـت و بالعکس موارد فرو رفتن آلت جارحه نافذه در دسـت و پا طبق قانون نافذه و طبق شـرع موضوع عناوین دیگر یا موضوع ارش اسـت. بنابراین توصیه می‌شود در تطبیق ماده ۷۱۳ این نکته مورد توجه کارشناسان قرار گیرد.

تأییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.
تعارض‌منافع: نویسنده این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی را اعلام نداشته است.
منابع‌مالی: مقاله حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

References

1. Tusi M. Tahdeeb al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya; 1986. p. 292. [Persian]
2. Mohaghegh N. Islamic Laws in Halal and Haram Issues. Qom: Ismailian Institute; 1987. p. 261. [Persian]
3. Khomeini SR. Tahrir al-Wasila. Qom: Darul Alam Press Institute; 1975. p. 595. [Persian]
4. Makarem Shirazi N. Esteftaat Jadid, Qom: Imam Ali Bin Abi Talib School Publications; 2006. p. 425. [Persian]
5. Fazel Lankarani M. Tafsil alsharieat fi sharh tahrir alwasilat – aldiyat. Qom: Center for Jurisprudence of aeme Athar; 1997. p. 252. [Persian]

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-09-12]